



از خاکریز تا فریم

تا پیش از «ایستاده در غبار» چند فیلم درباره فرماندهان جنگ ساخته شده بود که البته هیچ کدام چندان موفق نبودند. جواد اردکانی در دهه ۱۳۸۰ دوبار بخت خود را در به تصویر کشیدن چهره فرماندهان جنگ آزمود و موفقیتی هم به‌دست نیاورد.

۲۳



موقیعت هادی

اکران فیلم و نوع ساخت و روایت فیلم با بازی هادی حجازی‌فر در نقش حاج احمد متوسلیمان، تحسین منتقدان و مخاطبان سینما را به همراه داشت؛ بازیگری که در آن زمان عنوان می‌شد جایزه بازیگری را خواهد گرفت...

۲۴

همیشه در جنگ فرهنگ

باید و نباید تکثیر «غریب»‌ها

داستان دوست



به‌عنوان منچی و اسطوره در فیلم «تک تیرانداز آمریکایی».

اما طی سال‌های اخیر، اوضاع سینمای ما در زمینه توجه به قهرمانان و اسوه‌های ملی و انقلابی، امیدبخش شده است؛ به‌ویژه اینکه در این دوره، درباره قهرمانانی فیلم ساخته می‌شود که هم جایگاه ویژه‌ای در تاریخ معاصر ما — خاصه در ۸ سال دفاع مقدس — دارند، هم

قدرت هویت‌بخشی این شخصیت‌ها برای نسل جدید بالاست و هم از قابلیت دراماتیک خوبی برخوردار هستند. این جریان، با فیلم «چ» با موضوع شهید مصطفی چمران و به کارگردانی ابراهیم حاتمی‌کیا شروع شد. «تک تیرانداز»

درباره شهید عبدالحسین زرین که زبردست‌ترین تک‌تیرانداز جنگ‌های معاصر محسوب می‌شود هم فیلمی نسبتاً آبرومند است. اما قبل از آن هادی حجازی‌فر با «موقیعت مهدی» غوغا کرد و سطح خلق پرتره سینمایی درباره شهدا را بالاتر برد. «غریب» هم نمونه قابل دفاع دیگری از بازنمایی قهرمانان ملی را بسر جریده تاریخ سینمای ما ثبت کرد.

وقتی مقایسه می‌کنیم می‌بینیم که با فیلم‌های اخیر، سطح پرتره‌سازی از شهدا در سینما پیشرفت کرده است. با مرور ۴ دهه اخیر، به تعداد انگشت‌شماری فیلم با محوریت شهدای انقلاب و دفاع مقدس برمی‌خوریم. مثلاً در دهه ۶۰ فیلم

درباره شهید عبدالحسین زرین که زبردست‌ترین تک‌تیرانداز جنگ‌های معاصر محسوب می‌شود هم فیلمی نسبتاً آبرومند است. اما قبل از آن هادی حجازی‌فر با «موقیعت مهدی» غوغا کرد و سطح خلق پرتره سینمایی درباره شهدا را بالاتر برد. «غریب» هم نمونه قابل دفاع دیگری از بازنمایی قهرمانان ملی را بسر جریده تاریخ سینمای ما ثبت کرد. وقتی مقایسه می‌کنیم می‌بینیم که با فیلم‌های اخیر، سطح پرتره‌سازی از شهدا در سینما پیشرفت کرده است. با مرور ۴ دهه اخیر، به تعداد انگشت‌شماری فیلم با محوریت شهدای انقلاب و دفاع مقدس برمی‌خوریم. مثلاً در دهه ۶۰ فیلم

«تیرباران» درباره شهید اندرزگو ساخته شد. در دهه ۷۰ هم آثاری چون «خلبان» با موضوع شهید عباس دوران و «مسلم عشق» پیرامون شهید محمود آیت تولید شد و به نمایش درآمد. اما دهه ۸۰ ساخت این نوع فیلم‌ها بیشتر شد. «به کیودی یاس» با محوریت شهید برونیسی، «شور شیرین» درباره شهید محمود کاوه، «شب واقعه» درباره شهید دریاقلی سورانی، «بزرگسرد کوچک» با روایتی از شهید بهنام محمدی و «دلننگی‌های عاشقانه» با موضوع شهید منوچهر مدق را می‌توان نام برد. همچنان که در دهه ۹۰ هم فیلم‌های «بپاژز از زندگی» درباره شهید حسین علم‌الهدی، «چ» با روایتی از

نکته

ایستاده در غبار



یکی از بهترین فیلم‌های سینمای دفاع مقدس که درباره یکی از اسطوره‌های دوران جنگ ساخته شد؛ محصول بداعت و شجاعت سازنده جوانش که در نخستین گام سینمایی‌اش موفق به ساخت اثری خلاقانه شد. به تعبیری «ایستاده در غبار» را هم می‌توان به‌عنوان یک مستند تماشایی داستانی دید و هم آن را یک فیلم سینمایی داستانی به شمار آورد... نکته مهم در این فیلم تنها این نیست که اصلاً مستند است یا نه؛ نکته مهم و اساسی این است که باعث می‌شود توان سینمایی مستند برای داستانی را ارتقا ببخشد.

پادداشت
امیر خدادادهمدانی دبیر گروه فرهنگ

جرعه‌ای از گنجینه

در قیاسی واضح می‌توان دید که سینمای جهان و رسانه‌های غربی اگر از قهرمانان ملی و اسطوره‌ها، خاطراتی قابل تصویرسازی داشتند، تاکنون صدها فیلم سینمایی و مستند از آن ساخته بودند؛ درحالی‌که در مقابل این حجم عظیم از گنجینه شهدا، کارنامه تولیدات ما در فضای دفاع مقدس اندک است. علاوه بر آن، شخصیت‌سازی در سینمای غرب و در رأس آن هالیوود با نگاه ارا‌انه ابرقهرمان انجام می‌شود. غربی‌ها با قهرمان‌سازی و معرفی آنان به‌عنوان سفیران اسطوره‌ای بر ناخودآگاه مخاطبان سرمایه‌گذاری می‌کنند؛ رویکردی که مدت‌هاست موجب شده که جایگاه قهرمانان ساختگی هالیوودی، افکار عمومی را با خود همراه کند و این همراهی به‌صورت ناخودآگاه و بی‌آنکه مخاطبان بدانند به سمت اسوه شدن ایدئولوژی لیبرال سرمایه‌داری می‌رود و به تغییر الگوهای فردی و اجتماعی منجر می‌شود.

اما سؤالی که مطرح می‌شود، اینکه چقدر حوزه فرهنگ و هنر در تولیدات خود برای شناساندن جایگاه والای شهدا که قهرمانان ملی ما هستند، اثرگذار بوده و سینما به‌عنوان مهم‌ترین و تأثیرگذارترین ابزار رسانه‌ای برای معرفی شخصیت‌های دلپاک و افتخارآفرین تا چه حد نقش داشته است؟

برای پاسخ به این سؤال، لازم است مروری بر برخی آثار و دیدگاه‌های سینماگران داشته باشیم:

الف- جلوه‌های جذاب و فیلمنامه‌های متوسط؛ در دهه ۷۰ تصویربرداری دیجیتال وجود نداشت و همه تصاویر به‌صورت ۳۵میلی‌متری ضبط می‌شد و این موضوع هم کار را دشوار می‌کرد. با وجود این، «حمله به آج ۴» فیلمی باورپذیر بود که روی پرده نقره‌ای سینما به نمایش درآمد؛ فیلمی که جلوه‌های ویژه میدانی (انفجار ماکت‌های ساخته‌شده هواپیماها و آشیانه‌ها) استانداردی داشت. البته برخی منتقدان، نسبت به نقاط ضعف فیلمنامه آن انتقاداتی داشتند.

ب- الگویی برای زندگی امروزی؛ سبک زندگی شهدای دفاع مقدس، می‌تواند برای مردم و به‌ویژه نسل جدید اسوه مناسبی باشد و این سبک زندگی می‌تواند شامل زندگی اجتماعی، خصوصی یا زندگی در دوران دفاع مقدس باشد. در همین رابطه، مرتضی شعبانی، فیلمبردار، کارگردان و تهیه‌کننده عرصه سینما هم تأکید دارد که «باید به زندگی شهدا پرداخت بدون اینکه بخواهیم آنها را بزرگ کنیم. شهدهای دفاع مقدس و قهرمانان انقلاب ما بزرگ هستند و ما نیازی به اغراق نداریم. به‌نظر من آنچه به فیلم‌های دفاع مقدس ضربه می‌زند مقدس کردن این آدم‌هاست و به‌قول معروف روی طاقچه گذاشتن این شخصیت‌ها. اگر شخصیت واقعی آنها را بدون اغراق نشان دهیم بزرگ‌ترین خدمت را کرده‌ایم.»

اما انطور که کارشناسان سینما درباره فیلم‌های اخیر حوزه دفاع مقدس گفته‌اند، در این آثار سینمایی که «غریب» نمونه آن است، مخاطب می‌تواند با قهرمان داستان، همذات‌پنداری کند؛ تاجایی که آرش فهیم، منتقد سینما تأکید دارد که «انطور که در کتاب «محمد، مسیح کردستان» درباره این شهید می‌خوانیم، شخصیتی به‌مراتب قاطع‌تر از آنچه در فیلم می‌بینیم داشته و به همین دلیل تروریست‌ها از نام او هم وحشت داشته‌اند که طبیعی هم هست؛ چون ما با فیلمی داستانی مواجه هستیم، نه فیلمی مستند؛ در عین‌اینکه فیلم، احترام قهرمانش را حفظ می‌کند و به بهانه درام و جذابیت، دچار ابتذال و تحریف نمی‌شود. از همه مهم‌تر اینکه «غریب» با شرایط روز اجتماعی کشورمان مماس است؛ دورانی که فرقه‌ها و گروهک‌های سیاسی و تجزیه‌طلب، بیش از گذشته مدعی شده‌اند و برای نسل جدید ضروری است از جنایات و خیانت‌های آنها آگاه شوند» و «غریب» این کار را انجام می‌دهد، همچنان‌که معرفی یک قهرمان بزرگ ملی همچون شهید محمد بروجردی، ولو در حد محدود و مختصر در این فیلم، زمینه‌ساز شناخت بهتر او نزد مردم خواهد بود.»

سرانجام اینکه به‌نظر می‌رسد اهالی سینما برای پرتره شهدای دفاع مقدس تلاش‌های درخور تقدیری داشته‌اند و تاکنون به جرعه‌ای از گنجینه شهدهای دفاع مقدس پرداخته شده است، اما هنوز به نقطه ایده‌آل نرسیده‌ایم تاجایی‌که رهبر فرزانه انقلاب تأکید دارند که «من غالب آثار هنری جنگ را یادیدم یا شنیده‌ام؛ البته در این سال‌های اخیر کمتر. در دوره جنگ و سال‌های اوایل بعد از جنگ، این نوشته‌ها و روایت‌های تصویری و روایت‌های سینمایی و... را غالباً یادیدم یا گزارشی از آنها به‌دست آوردم. قطعاً آثار باارزشی در بین اینها وجود دارد؛ لیکن همه اینها در مقابل آن گنجینه عظیمی که در این دفاع ۸ساله به وسیله ملت ایران به‌وجود آمد، چیز کم است.» ۱۳۷۹/۷/۶
بیانات در دیدار جمعی از مدبران و فعالان فرهنگی دفاع مقدس

موقیعت مهدی



«موقیعت مهدی» شرح حال است؛ شرح حال یکی از مهم‌ترین اسطوره‌های دفاع مقدس که فیلمساز کوشیده در چند فراز زندگی و زمانه‌اش را به تصویر بکشد. حجازی‌فر بیش از هر چیز کوشیده کاراکتر مصوری‌اش را به‌عنوان شخصیتی ملموس و باورپذیر برای تماشاگر جا بیندازد؛ تماشاگری که شاید شناختی از این قهرمان جبهه و جنگ نداشته باشد. پس فیلمساز در فصل‌های شروع اثر از نقطه درستی ماجرا را روایت می‌کند؛ از زندگی شخصی و تأکید بر حجب و حیایی دهه‌شمستی که در قالب اثر به‌درستی جامی‌افتد.

۲۵

۲۶

۲۷

۲۸

۲۹

۳۰

۳۱

۳۲

۳۳

۳۴

۳۵

۳۶

۳۷

۳۸

۳۹

۴۰

۴۱

۴۲

۴۳

۴۴

۴۵

۴۶

۴۷

۴۸

۴۹

۵۰

۵۱

۵۲

۵۳

۵۴

۵۵

گزارش آرش فهیم روزنامه‌نگار ومنتقدسینما

فیلم «غریب» را باید یک گام نو و تجربه جدید در زمینه غربت‌زدایی از شهدا در سینما دانست. کم‌کاری در زمینه ترسیم پرتره شهدا و قهرمانان ملی کشورمان، یکی از خلاهای عذاب‌آور در سینمای ما بوده است، چون سایر کشور‌های صاحب صنعت سینما، با بهره از ظرفیت قهرمان‌ساز هنر هفتم تلاش دارند تا حتی صدق‌قهرمانان خود را به‌عنوان قهرمان جا بزنند؛ نمونه بارز، معرفی یک جنایتکار جنگی